منتخباتى از آثار حضرت بهاءالله - اينکه از حقيقت نفس سؤال نموديد انّها آية الهيّة و جوهرة ملكوتيّة التي عجز كلّ ذى علم عن عرفان حقيقتها

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



اینکه از حقیقت نفس سؤال نمودید انّها آیة الهیّة و جوهرة ملکوتیّة الّتی عجز کلّ ذی علم عن عرفان حقیقتها و کلّ ذی عرفان عن معرفتها انّها اوّل شیء حکی عن الله موجده و اقبل الیه و تمسّک به و سجد له در اینصورت بحقّ منسوب و باو راجع و من غیر آن بهوی منسوب و باو راجع الیوم هر نفسی شبهات خلق او را از حقّ منع ننمود و ضوضاء علما و سطوة امرا او را محجوب نساخت او از آیات کبری لدی الله مالک الوری محسوب و در کتاب الهی از قلم اعلی مسطور طوبی لمن فاز بها و عرف شأنها و مقامها در مراتب نفس از امّاره و لوّامه و ملهمه و مطمئنّه و راضیه و مرضیّه و امثال آن از قبل ذکر شده و کتب قوم مشحون است از این اذکار قلم اعلی اقبال بذکر این مراتب نداشته و ندارد نفسی که الیوم للّه خاضع است و باو متمسّک کلّ الأسمآء اسمائها و کلّ المقامات مقاماتها و در حین نوم تعلّق بشیء خارج نداشته و ندارد در مقام خود ساکن و مستریح جمیع امور باسباب ظاهر و باهر و باسباب مقامات سیر و ادراک و مشاهده مختلف میشود در بصر ملاحظه نمائید جمیع اشیاء موجوده از ارض و سماء و اشجار و انهار و جبال کل را مشاهده مینماید و بیک سبب جزئی از جمیع محروم تعالی من خلق الأسباب و تعالی من علّق الأمور بها کلّ شیء من الأشیآء باب لمعرفته و آیة لسلطانه و ظهور من اسمائه و دلیل لعظمته و اقتداره و سبیل الی صراطه المستقیم…انّ النّفس علی ما هی علیه آیة من آیات الله و سرّ من اسرار الله او است آیة کبری و مخبری که خبر میدهد از عوالم الهی در او مستور است آنچه که عالم حال استعداد ذکر آن را نداشته و ندارد ان انظر الی نفس الله القائمة علی السّنن و النّفس الأمّارة الّتی قامت علی الاعراض و تنهی النّاس عن مالک الأسمآء و تأمرهم بالبغی و الفحشآء الا انّها فی خسران مبین…

و اینکه سؤال نمودید روح بعد از خراب بدن بکجا راجع میشود اگر بحقّ منسوب است برفیق اعلی راجع لعمر الله بمقامی راجع میشود که جمیع السن و اقلام از ذکرش عاجز است هر نفسی که در امر الله ثابت و راسخ است او بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض مینماید او است مایهٔ ظهور عالم و صنایع او و اشیاء ظاهرهٴ در او بامر سلطان حقیقی و مربّی حقیقی در خمیر ملاحظه نمائید که محتاج است بمایه و ارواح مجرّده مایهٴ عالمند تفکّر و کن من الشّاکرین این مقامات و هم‌چنین مقامات نفس در الواح شتّی ذکر شده او است آیتی که از دخول و خروج مقدّس است و او است ساکن طائر و سائر قاعد شهادت میدهد بر عالمی که از برای او اوّل و آخر است و همچنین بر عالمی که مقدّس از اوّل و آخر است در این لیل امری مشاهده مینمائی و بعد از بیست سنه او ازید او اقلّ بعینه آن را مشاهده مینمائی حال ملاحظه کن این چه عالمی است تفکّر فی حکمة الله و ظهوراته…

در آثار صنع ملاحظه نما و تفکّر کن خاتم انبیا میفرماید زدنی فیک تحیّراً و ما ذکرت فی انتهآء عالم الأجسام عرفان این مقام معلّق است بابصار ناظرین در مقامی متناهی و در مقامی مقدّس از آن حقّ لم ‌یزل بوده و خواهد بود و هم‌چنین خلق الّا انّ الثّانی مسبوق بالعلّة در اینصورت حکم توحید ثابت و محقّق و اینکه از افلاک سؤال نمودید اوّلاً باید معلوم شود که مقصود از ذکر افلاک و سماء که در کتب قبل و بعد مذکور چیست و هم‌چنین ربط و اثر آن بعالم ظاهر بچه نحو جمیع عقول و افئده در این مقام متحیّر و مبهوت ما اطّلع بها الّا الله وحده حکما که عمر دنیا را بچندین هزار سال تعبیر نموده‌اند در این مدّت سیّارات را احصا ننموده‌اند چه مقدار اختلاف در اقوال قبل و بعد ظاهر و مشهود و لکلّ ثوابت سیّارات و لکلّ سیّارة خلق عجز عن احصائه المحصون یا ایّها النّاظر الی وجهی امروز افق اعلی مشرق و ندآء الله مرتفع قد انزلنا فی الألواح لیس الیوم یوم السّؤال ینبغی لمن سمع النّدآء من الأفق الأعلی یقوم و یقول لبّیک لبّیک یا اله الأسمآء لبّیک لبّیک یا فاطر السّمآء اشهد انّ بظهورک ظهر ما کان مکنوناً فی کتب الله و مستوراً فی صحف المرسلین